

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین، ۲۳ فبروری ۲۰۰۹

متکلم جمع - جمع متکلم - متکلم مع الغیر

بحث دستوری

در دستور زبان دری همیشه از "جمع متکلم" و "متکلم جمع" شنیده ایم. از دستور زبان عربی که در صنوف هفتم و هشتم مکاتب درس داده میشد، اصطلاح "متکلم مع الغیر" هم بگوشها آشناست. حالا ببینیم که ازین سه اصطلاح که برای عین مفهوم بکار میروند، کدام یک از نگاه دستوری و منطقی درست است و بر دیگران رجحان و برتری دارد؟؟؟ خوانندگان ارجمندی که به صرف و نحو و گرامر و دستور زبان علاقه مند نیستند، لطف کرده این نوشته را نادیده بگیرند!!!!

چنانکه همه میدانیم، بسا اصطلاحات علمی. متداول در "زبان دری" اصل عربی دارند. اصطلاحات "دستور زبان دری" هم تقریباً همه از عربی اخذ گردیده اند. اگر مثالهایی در زمینه بزنیم:

اسم، فعل، حرف، کلمه، جمله، فاعل، مفعول، مسند، مسند الیه، صفت، قید، ضمیر، متصل، منفصل، اشاره، مبهم، عدد، تفضیل، تصغیر، حال، مستقبل، مضارع، ماضی، متکلم، مخاطب، غائب، جمع، مفرد، امر، نهی، مثبت، منفی، تأکید، مصدر، جاری، مطلق، استمراری، قریب، بعید، شکیه، تمنائی، التزامی، تصغیر، تحبیب، تحقیر، بالواسطه (مع الواسطه)، صریح، غیر صریح، ترکیب، تجزیه، اشتقاق، لازم، متعدی، مشتق، جامد، واحد، تذکیر، تأنیث، مذکر، مؤنث، ... و دهها اصطلاح دیگر "دستور زبان دری"، همه از "زبان عربی" وارد زبان دری گردیده و عاماً استعمال میگردند. البته درین اواخر در کشور ایران بسیار کوشیده میشود، که در مسیر "سره سازی زبان فارسی"، اصطلاحات جدید وضع کرده و جانشین اصطلاحات متداول و کاملاً مروج و مأنوس و مقبول (قبول شده) - از جمله اصطلاحات عربی - بسازند. متأسفانه که این حرکت بیشتر منشأ "سیاسی" و "ناسیونالیستی" و حتی "شوونیستی" دارد، تا منشأ زبانشناسانه و علمی. "سره سازی زبان"، در علم جدید زبان و در "زبانشناسی معاصر" جای ندارد. "سره سازی" و "پاک کردن زبان از اصطلاحات بیگانه" در زبانهای اروپائی و فرنگی اصلاً دیده نمیشود و یا که بسیار به ندرت دیده میشود. در زمانی که رژیم های استبدادی و فاشیستی بر پاره ای از کشورهای اروپائی چیره گشته و حکم میچلانند، پدیده "سره سازی زبان" هم سر دست گرفته شده بود. مثال بارز این پدیده، رژیم سفاک و نژادپرست نازی در المان بود، که میخواست، اصطلاحات عام جهانی را "المانی" بسازد. مشهورترین کلمه ای که از آن زمان تاکنون بعضاً در زبان المانی دیده میشود، کلمه "روند فونک" Rundfunk است که در عوض کلمه جهانی و مقبول (پذیرفته) "راديو" Radio وضع گردیده بود.

چنانکه گفتیم، در کشور ایران سعی بلیغ به خرج داده میشود، تا نه تنها برای پدیده های جدید، لغات فارسی وضع کردند - که کاریست بجا - ، بلکه حتی برای کلمات کاملاً رائج و مأنوس و بااصطلاح خود شان "جا افتاده" نیز معادلها و جانشین های فارسی ساخته شوند. و دردا که بسا کلمات جدید و نوساخت، نه تنها با مزاج زبان فارسی دری سازگار نیستند، بلکه مضحک و مسخره هم هستند. به کلمات ذیل توجه نمایند:

- "کارواژه" در عوض "فعل"

- "نام واژه" در عوض "اسم"

- "گرایش" بجای "ثقل" و یا "جاذبه"
 - "گرمایش" بجای "حرارت"
 - "خوانش" در عوض "قرائت"
 - "گویش" در عوض "لهجه"
 - "نشست" بجای "جلسه"
 - "یونش" در عوض "یونیزاسیون" یا "آینایزیشن"
 - "سه بر" بجای "مثلث"
 - "رایانه" در عوض کلمه جهانی "کمپیوتر"
- و غیره و غیره *

در ایران این کار در دو بخش صورت میگیرد؛ یکی بصورت انفرادی و دیگر بصورت متراکم و مرکزی. هم دانشمندان و مترجمان ایرانی، رواج دهنده اصطلاحات جدید و بدیل اند و نیز "فرهنگستان زبان" در ایران این کار را در دستور امور روزمره خود قرار داده است. البته در خود ایران هم دانشمندان سرشناس و برآورنده ای هم وجود دارند، که برضد "سره سازی زبان فارسی" قد علم کرده و پیوسته در برابر آن ایستادگی میکنند. تا جایی که بر من واضح گردیده است، داکتر خسرو فرشیدورد - استاد برجسته "پوهنتون تهران" - که عمری را صرف زبان و ادبیات زبان فارسی ساخته و صدها و هزاران دانشمند زبان از زیر دستش بیرون آمده اند، جداً مخالف "سره سازی زبان" است؛ در حدی که وی "سره سازی زبان" را یک "مرض" میدانند و در آثار خود پیوسته از "مرض سره سازی" سخن میگوید. و هیئات که حتی همین استاد بزرگ که پیوسته بر دیگران و حتی بر داکتر پرویز ناتل خانلری و داکتر محمد معین و غیره بدین مناسبت خرده گرفته، خود نیز از این بلیه در امان نمانده است. اگر کتاب مشهور ایشان را - که از آخرین آثار گرانبهای اوست و "دستور مفصل امروز" نام دارد - مرور کنیم، به تحقیق در مییابیم که حتی ایشان هم بعضاً در گرادب "ایران پرستی" و "ایرانیگری"، درگیر پدیده "سره سازی" گردیده اند.

گفتیم اصطلاحات "صرف و نحو زبان دری" - و باصطلاح مدرن تر "دستور زبان دری" - تقریباً همه عربی یا عربی الاصل اند.

این کار بدرجه اول ازینجا نشأت کرده، که تا گذشته نچندان دور، دستور نویسان زبان دری، دستور زبان عربی را کاپی کرده و آنرا بر "زبان دری" تحمیل میکردند. با باز شدن راههای باخترزمین و طاری گشتن علم و دانش فرنگی بر جهان و از جمله به مشرقزمین، راه و روش "دستور نویسی" در زبان ما نیز دگرگون گشت. دستورنویسان زبان دری اینک نه تنها به دستورهای کلاسیک توجه دارند، بلکه از علم جدید زبان یا زبانشناسی معاصر نیز استفاده سرشار میکنند. "دستورهای معاصر زبان دری" آمیزه ایست از دستورهای کلاسیک زبان دری و عربی و دستورهای زبانهای فرنگی.

از موضوع دور افتادیم و برویم به اصل مطلب و شگافتن سه اصطلاح مروج در صرف و نحو؛ یعنی "متکلم جمع، جمع متکلم، و متکلم مع الغیر" که دو تای اولی در زبان دری وسیعاً استعمال میگردند، ولی اصطلاح سومی محض در زبان عربی قابل مشاهده است.

متکلم جمع و جمع متکلم :

ضمائر منفصل در زبان دری عبارتند از "من، تو، او، ما، شما و ایشان(آنها)" در زبان دستوری دری "من، تو و او" را "مفرد متکلم، مفرد مخاطب و مفرد غائب" گویند - در ایران به پیروی عام و تام از زبانهای اروپائی، معمولاً اصطلاحات "شخص اول مفرد، شخص دوم مفرد و شخص سوم مفرد" یا "مفرد شخص اول، مفرد شخص دوم و مفرد شخص سوم" را مرعی میدارند.

ضمائر "ما، شما و آنها (ایشان)" را "جمع متکلم (متکلم جمع)، جمع مخاطب و جمع غائب" نامند. در ایران به اقتداء از زبانهای فرنگی برای این سه شخص معمولاً "جمع شخص اول، جمع شخص دوم و جمع شخص سوم" و یا "شخص اول جمع، شخص دوم جمع و شخص سوم جمع" را استعمال میکنند.

در نامگذاری "جمع مخاطب" و "جمع غائب" شاید منطقاً نتوان ایراد گرفت؛ اما: اما در تسمیه "جمع متکلم" یا "متکلم جمع" و معادلهای ایرانی آن، پاره ای ایراد منطقی وارد است: وقتی اشخاصی را مخاطب میسازیم و مثلاً "شما" میگوئیم، منطقاً این صلاحیت را داریم که ایشان را "شما" بگوئیم. و یا وقتی از اشخاصی بحیث "غائب" سخن گفته و از ایشان با کلمات "آنها یا ایشان" سخن میگوئیم، باز هم منطقاً کار خلاف نکرده ایم. اما:

اما موضوع در قسمت "متکلم" کاملاً فرق میکند. چون وقتی کسی از طرف جمعی سخن گفته و ضمیر "ما" را استعمال میکند، گوینده معمولاً تنها "یک نفر" است و نه تمام آن جمع. اینطور نیست، که وقتی "ما" میگوئیم، همه یکجا و به یک زبان و به یک آواز بگوئیم، که "چنین میکنیم و چنان خواهیم کرد"، بلکه فقط یک نفر متکلم - به نام "من" - سخن میگوید و چون به نمایندگی از دیگران و یا از طرف دیگران گپ میزند، کلمه "ما" را استعمال میکند. درینجا استعمال کلمه "ما" از طرف "یک نفر" ولو که اراده دیگران را هم افاده نماید، منطقاً درست نیست، چون در

هر صورت "متکلم" فقط "یک نفر" است و نه "جمع". ازینرو منطقاً درست نیست که فردی به نام "من" سخن بزند و کلمه "ما" را استعمال نماید، ولو که این صلاحیت را برایش داده هم باشند.

در زبان عربی این باریکی را درست درک کرده و میگویند که "متکلم مع الغیر" (متکلم با غیر ، متکلم به علاوه دیگران) یعنی که متکلم فقط همان یک نفر و مفرد است، ولی در سخنانی که میگوید، کسان دیگری نیز با وی هم‌نوا و هم رأی و هم عقیده میباشند.

ترکیب "متکلم مع الغیر" شاید رساترین افاده ازین مدلول باشد و تا جائی که بر من آشکار گردیده، زبان دیگری بر این باریکی توجه نکرده است!!!! اصطلاحات "جمع متکلم" ، "متکلم جمع" ، "جمع شخص اول" و یا "شخص اول جمع" هیچکدام اساس درست منطقی ندارند، و در برابر "متکلم مع الغیر" کاملاً "نارسا" جلوه میکنند.

* تعدادی ازین مثالها از کتاب "دستور مفصل امروز" اثر داکتر خسرو فرشیدورد، چاپ ۱۳۸۲ انتشارات سخن ، تهران، اخذ گردیده اند.